

متن پرسش

سلام . مگر بعد از رحلت امام خمینی (ره) ، خود امام آقای منتظری را بعنوان رهبر پیشنهاد ندادند؟ چرا ایشان رهبر نشد؟ و مگر آقای خامنه ای را امام پیشنهاد دادند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» در آخر عمر، اعضای مجلس خبرگان را خواستند و دستور دادند وظیفه‌ی ما است که آقای منتظری را با توجه به مشکلاتی که دارند از قائم مقام رهبری بودن عزل کنیم و خبرگان به اتفاق آراء آقای منتظری را عزل کردند و بعد از رحلت حضرت امام مجلس خبرگان آیت الله خامنه‌ای را به عنوان رهبر انقلاب انتخاب کردند. نظر جنابعالی را به نامه‌ی حضرت امام به آقای منتظری جلب می‌کنم که می‌فرمایند: بسم الله الرحمن الرحیم: با دلی پر خون و قلبی شکسته چند کلمه ای برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند. شما در نامه اخیرتان نوشته اید که نظر تو را شرعا بر نظر خود مقدم می‌دانم؛ خدا را در نظر می‌گیرم و مسائلی را گوشزد می‌کنم. از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده اید. شما در اکثر نامه‌ها و صحبتها و موضعگیریهایتان نشان دادید که معتقدید لیبرالها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می‌گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده ای برای جواب به آنها نمی‌دیدم. مثلا در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلف و الوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده ای به استکبار کرده اید. در مسئله مهدی هاشمی قاتل، شما او را از همه متدینین متدینتر می‌دانستید و با اینکه برایتان ثابت شده بود که او قاتل است مرتب پیغام می‌دادید که او را نکشید. از قضایای مثل قضیه مهدی هاشمی که بسیار است و من حال بازگو کردن تمامی آنها را ندارم. شما از این پس وکیل من نمی‌باشید و به طلابی که پول برای شما می‌آورند بگویید به قم منزل آقای پسندیده و یا در تهران به جماران مراجعه کنند. بحمدالله از این پس شما مسئله مالی هم ندارید. اگر شما نظر من را شرعاً مقدم بر نظر خود می‌دانید - که مسلما منافقین صلاح نمی‌دانند و شما مشغول به نوشتن چیزهایی می‌شوید که آخرتتان را خرابتر می‌کند - با دلی شکسته و سینه ای گداخته از آتش بی مهریها با اتکا به خداوند متعال به شما که حاصل عمر من بودید چند نصیحت می‌کنم دیگر خود دانید: جناب آقای

منتظری: ۱- سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرالها نریزد. ۲- از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تفصیرات شما بگذرد. والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده لوح می دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیلکرده که مفید برای حوزه های علمیه بودید و اگر اینگونه کارهاتان را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی کنم. والله قسم، من با نخست وزیری بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی می دانستم. والله قسم، من رای به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم. ۳- دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هر چه اسرار مملکت است را به رادیوهای بیگانه دهند. ۴- نامه ها و سخنرانیهای منافقین که به وسیله شما از رسانه های گروهی به مردم می رسند؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان - روحی له الفدا - و خونهای پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند. سخنی از سر درد و رنج و با دلی شکسته و پر از غم و اندوه با مردم عزیزمان دارم: من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستم هرگز چشم پوشی نکنم. من با خدای خود پیمان بسته ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت بر نمی دارم. روح الله الموسوی الخمینی یکشنبه ۶/۱/۶۸ در ضمن آقای هاشمی رفسنجانی خاطرات خود را در این رابطه نوشته اند که خبرگزاری فارس آن را آورده، به این آدرس رجوع فرمایید: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۸۰۱۰۸۰۱۸۶> موفق باشید